

سر مقاله

طرح صلح ترامپ؛ منافع فلسطینیان و عملکرد قدرت های منطقه ای

ادامه از صفحه یک

با این حال، مقاله گروههای فلسطینی با تجاوزات و اشغال سرزمین های بیشتر از سوی دولت های مختلف اسرائیل، در کنار عدم واکنش لازم منطقه ای و جهانی به آنها، زمینه ساز عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳، در سرزمین های اشغالی(بدون هماهنگی با حامیان منطقه ای شان) گردید. عملیاتی که، با دستاویز قرار گرفتن آن از سوی بنیامین نتانیاھو، نخست وزیر اسرائیل(که تحت شدیدترین فشارهای داخلی ، احتمال سقوط دولتش بود)، نتنها موجب محاصره کامل نوار غزه و عملیات نظامی گسترده در این منطقه گردید، بلکه با حمایت کامل ایالات متحده و برخی شوره‌ای غربی، حوادث زنجیرواری را در منطقه رقم زد، تا وضعیت خاورمیانه امروز، تفاوتی فاحش و غیر قابل تصویری، با وضعیت پیش از عملیات طوفان الاقصی داشته باشد.

طی دو سال گذشته، جان باختن بیش از ۶۷ هزار فلسطینی در نوار غزه (با اکثریت زنان و کودکان)، مصدوم شدن بیش از ۱۶۴ هزار نفر دیگر(با بیش از ۵۰۰۰ قطع عضو و معلولیت)، مفقود شدن نزدیک به ۱۰ هزار نفر و بجا ماندن سرزمینی ویران و سوخته، در پی سیاست های غیرانسانی دولت‌نتانیاھونسبت بهفلسطینیان، این سوال را در ذهن ها تداعی می کند: با وجود حل و فصل موضوع غیرانسانی «آپارتاید » درآفریقای جنوبی، چرا «مسئله فلسطین»، همچنان پفرنج و همچون غده ای بدخیم در کالبد خاورمیانه و بشر متمدن امروزی، لاینحل مانده است؟

شاید موضوع مهم در حل منازعات مختلف، وجود بازیگران واقع بین و قابل به دید ترکیبی(و نه یکسویی) و بهره مندی از مزیت نسبی(و نه مطلق) است، که تمرکز بیشتری بر اشتراکات (جهت دستیابی به مصالحه) و نه اختلافات(در جهت تداوم درگیری دارند و از عمده دلایل استمرار وضعیت موجود فلسطینیان نیز، می تواند عدم همکاری کشورهای حامی فلسطین و سوء استفاده صهیونیست ها از وضعیت آشفتة خاورمیانه و رقابت های منطقه ای و در سایه حمایت قاطع واشنگتن باشد. این در حالی است که، با گذر زمان و افزایش جمعیت ساکنان فلسطین و کمبود فضا و مسائل مرتبط دیگر، زمینه ساز سیاست های تهاجمی اسرائیل در سرزمین های اشغالی شده است؛ موضوعی که می توانست در دهه های گذشته، مسیر هژمورازی را داشته باشد، در حالی که وضعیت قدرت های جهانی و منطقه ای نیز(با وجود روسای دولت های آنها)، در شرایط بهتری برای حل و فصل موضوع قرار داشته است.

با این وجود، با گذشت بیش از دوسال از وضعیت غیر انسانی در نوار غزه، که منجر به واکنش های اعتراضی گسترده جهانی نسبت به آن شد، طرح صلح دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، در شرایطی بسیار ناهمبازربر میدانی، منجر شد؛ هرچند که این طرح، از سوی حامی اصلی اسرائیل(یعنی ایالات متحده) ارائه شده و موارد مبهمی از جمله وضعیت کشور فلسطین(که امروزه بیش از ۱۶۰ کشور جهان از آن حمایت می کنند)، نحوه مشارکت گروههای فلسطینی در اداره نوار غزه و وضعیت جنبش حماس برخوردار است، که می تواند در آینده، زمینه ساز درگیری های جدید و با پهنه ای برای عوامل مختلف در این رابطه باشد؛ با این حال، طرف فلسطینی و کشورهای حامی، آن را تنها طرح موجود و موثر، برای ممانعت از ادامه نسل کشی فلسطینیان از سوی دولت نتانیاھو در نوار غزه می دانند، که در صورت سیاست مهار تلاویو از سوی واشینگتن، می تواند زمینه ای هرچند شکننده، برای آینده منطقه و باززبانی زندگی فلسطینیان در نوار غزه محسوب شود.

در حالی که، تلاش بسیاری از کشورها و سازمان های بین المللی، بر پایان درگیری ها در نوار غزه متمرکز است، نقش هماهنگ کشورهای مهم منطقه، یوزنه ایران، ترکیه، مصر و عربستان سعودی(فارغ از برخی اختلاف نظرها و رقابت های منطقه ای دیگر)، در آینده فلسطینیان و حمایت از یک راه حل واقعی و ممکن، که از ادامه بحران موجود ممانعت نمایند، حایز اهمیت است؛ یعنی سطحی از تفکر ترکیبی و استراتژیک، که بتواند حیات فلسطین را بعنوان یک کشور، نه در «دامن جنگ»، بلکه در «مسیر صلح » و واقعیت های موجود، در جهت منافع ملت های منطقه و بخصوص فلسطینیان، تداوم بخشد؛ هرچند که موضوع فلسطین، ترکیبی از ایده ها، نگرش ها و منافع بازیگران موثر منطقه ای و بین المللی است، با این حال، توجه به راه حلی میانه و با مزیت نسبی، می تواند موجب پایان جنگ، کاهش تنش ها و امید به صلح پایدار در آینده را، افزایش دهد.

آتش بس می توان زمینه مصالحه تازه ای را فراهم کند؟

به گزارش ایرنا، برقراری آتش بس در غزه را می توان نقطه عطفی در معادلات پرتنش خاورمیانه دانست؛ تحولی که از یک سو امید به کاهش خشونت و بازگشت ثبات را در منطقه تقویت کرده و از سوی دیگر، معادلات سیاسی و امنیتی را وارد مرحله ای تازه کرده است. جمهوری اسلامی ایران از نخستین بازیگرانی بود که ضمن استقبال از توقف جنگ و پایان نسل کشی، هشدار داد صلح واقعی تنها زمانی پایدار خواهد بود که ریشه های اشغال و نژادپرستی برچیده شود.

در بیانیه وزارت امور خارجه در ۱۷ مهرماه، بر حمایت جمهوری اسلامی از هر اقدام و ابتکاری که به توقف جنگ، خروج نیروهای اشغالگر، ورود کمک های بشردوستانه، آزادی اسرا و احقاق حقوق ملت فلسطین بینجامد، تأکید شد. در این بیانیه همچنین جامعه جهانی به هوشیاری در برابر فریبکاری و بدعهدی رژیم صهیونیستی فراخوانده شد؛ فراخوانی که نشان می دهد تهران ضمن استقبال از صلح، نسبت به ماهیت متغیر سیاست اسرائیل و حامیان غربی آن نیز هشدار می دهد.

دستگاه دیپلماسی ایران چند روز پیش از آن، در ۱۳ مهرماه، نیز در بیانیه ای دیگر از پایان درگیری ها استقبال کرده بود اما با اشاره به «سابقه بدعهدی و کارشکنی رژیم صهیونیستی»، تصمیم گیری درباره آینده غزه را در صلاحیت مردم و مقاومت فلسطین دانست. این موضع گیری ها بیانگر استمرار سیاست اصولی ایران در حمایت از مقاومت، در عین حمایت از راه حل های سیاسی و دیپلماتیک برای پایان بحران است.

همزمان با تثبیت آتش بس، توجه واشنگتن و پایتخت های ترویژیکی اروپایی بار دیگر به نقش ایران در معادلات منطقه ای جلب شده است. در واشنگتن، دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، در جلسه کابینه خود هنگام بحث درباره توافق آتش بس در غزه، سخنانی کم سابقه درباره ایران به زبان آورد. او گفت تهران خواهان صلح است و ایالات متحده آماده همکاری با ایران برای پیشبرد ثبات منطقه ای خواهد بود. این اظهارات، هرچند با لحنی مثبت بیان شد، اما در ادامه با تکرار ادعاهای قدیمی درباره برنامه هسته ای ایران همراه گردید.

ترامپ مدعی شد که اگر دولت او ایران را «بیماران نکرده بود»، تهران اکنون دارای «سلاح های هسته ای متعدد» می بود، هرچند بلافاصله از امکان همکاری برای بازسازی ایران سخن گفت. این تناقض گویی، بازتابی از دوگانگی سنتی در سیاست واشنگتن در دولت دوم دونالد ترامپ است؛ از یک سو تمایل به تعامل با تهران در سایه تحولات غزه و از سوی دیگر، تداوم استفاده از ابزار فشار و تهدید برای مهار تنش منطقه ای ایران که پس از تجاوز نظامی اسرائیل و آمریکا وارد مرحله تازه ای شده است.

هرچند که هنوز برای اظهار نظر درباره پایداری توقف جنگ در غزه زود است اما به نظر می رسد که بازیگران متعدد منطقه ای و فرامنطقه ای به منظور جلوگیری از دور جدیدی از تشدید تنش در منطقه غرب آسیا به دنبال سخن گفتن از فرصت دیپلماسی برای حل و فصل پرونده هسته ای ایران هستند. در عین حال مثال ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، روز پنجشنبه در دومین اجلاس روسیه و آسیای مرکزی تأکید کرد که «مسئله هسته ای ایران تنها از مسیر دیپلماتیک قابل حل است». او فاش کرد که مسکو از اسرائیل پیام هایی دریافت کرده تا به تهران منتقل کند و افزود: «اسرائیل خواهان حل و فصل دیپلماتیک است و به دنبال درگیری نیست.» چنین مواضعی نشان می دهد که روسیه در تلاش است میان تهران و دیگر طرف ها نقش میانجی ایفا کند و از تشدید تنش های غیرضروری جلوگیری نماید.

پوتین در همان سخنرانی تصریح کرد که ایران نیز

آیا آتش بس می توان زمینه مصالحه تازه ای را فراهم کند؟

پایان جنگ غزه؛ آغاز دیپلماسی با ایران؟

آتش بس در غزه نقطه عطفی در تحولات خاورمیانه است؛ تحولی که ضمن کاهش تنش ها، بار دیگر نگاه ها را به نقش ایران در معادلات منطقه ای معطوف کرده است. استقبال تهران از صلح همراه با هشدار نسبت به بدعهدی اسرائیل در شرایطی که با فاصله گرفتن غرب از سیاست شکست خورده فشار حداکثری همراه شود، می تواند فرصتی برای دیپلماسی مبتنی بر راهبرد پرد-برد برای همه بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای فراهم کند.



ارسال کمک های بشردوستانه به نوار غزه استقبال می کنند. طبق بیانیه ای که در وبگاه دولت انگلیس منتشر شده است، سران این سه کشور از نقش «دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا و تلاش های میانیچ گرانه قطر، مصر و ترکیه برای تضمین دستیابی به توافق غزه تقدیر کردند. آنها تأکید کردند که «بسیار مهم است تمامی طرف های توافق در ارتباط با غزه، تعهدات خود را به طور کامل و بدون تأخیر اجرا کنند».

در ادامه این بیانیه، ترویژیکی اروپایی برای ازسرگیری مذاکرات با ایران اعلام آمادگی کردند. سران ترویژیکی اروپایی در ادامه این بیانیه و با ادعای اینکه «فعال سازی مکانیسم بازگشت تحریم ها (سنپک) تصمیم درستی بود»، مدعی شدند: برنامه هسته ای ایران تهدیدی جدی برای صلح و امنیت جهانی به شمار می رود. ما مصمم هستیم که مذاکرات با ایران و ایالات متحده را برای رسیدن به توافقی جامع، پایدار و قابل راستی آزمایی که تضمین کند ایران هرگز به سلاح هسته ای دست پیدا نمی کند، از سر بگیریم. ما از همه کشورهای عضو سازمان ملل متحد می خواهیم که به محدودیت های اعمال شده توسط مکانیسم بازگشت تحریم ها پایبند باشند.

این بیانیه ترویژیکی اروپایی نیز گرفتار همان تناقض همیشگی است. سه کشور اروپایی در حالی برنامه هسته ای ایران را تهدیدی جدی برای صلح و امنیت جهانی خوانده اند که ایران علیرغم خروج آمریکا از برجام و بازگشت تحریم های یکجانبه و بی عملی ترویژیکی اروپایی همچنان به عنوان عضو ان پی تی به تمام تعهدات خود ذیل این توافق پایبند بوده است. از سوی دیگر، تهران علیرغم اینکه تأسیسات هسته ای این کشور هدف حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار گرفت در قالب توافق قاهره برای از سرگیری همکاری با آژانس بین المللی انرژی اتمی اعلام آمادگی کرده بود و همزمان چند طرح را برای به سرانجام رسیدن مذاکرات مستقیم با ترویژیکی اروپایی و مذاکره غیرمستقیم با ایالات متحده بر روی میز



گذشته بود. ترویژیکی اروپایی اما بی توجه به تجاوز نظامی صورت گرفته به ایران و تخریب تأسیسات هسته ای کشور با سیاست فشار حداکثری آمریکا همراه شدند. اقدامی که عملا منجر به کاهش نقش آنها در هرگونه روند آتی پیرامون توافق جدید با ایران شد.

در همین راستا، وزیر امور خارجه کشورمان هفته گذشته و در پاسخ به سوال ایرنا در خصوص آینده روابط ایران و اروپا گفت: «فکر می کنم امروز دیگر به یک تجربه ثابت و اثبات شده رسیده ایم که هیچ راه حل جز راه حل دیپلماتیک و مذاکره شده برای برنامه هسته ای ایران وجود ندارد. این واقعیت برای سال های اخیر بارها آزموده و تأیید شده است. بارها ایران را به حمله نظامی تهدید کردند و حتی در مقاطعی آن را امتحان کردند، اما دیدند که مسئله ایران با اقدام نظامی حل شدنی نیست.» وی افزود: «واقعیت این است که اکنون هم همین اتفاق رخ داده است. سه کشور اروپایی گمان می کردند اهرم فشار تازه ای در دست دارند و با تهدید به اجرای آن می توانند ایران را تحت فشار بگذارند. اما حالا که آن را به کار گرفته اند، نتیجه را دیده اند؛ هیچ تغییری در وضعیت ایجاد نشد و هیچ مشکلی حل نگردید؛ صرفا دیپلماسی را ساختنر و پیچیده تر کردند».

برخی از تحلیل گران بر این باورند که توقف جنگ در غزه می تواند به فرصتی تازه برای کاهش تنش در منطقه ای که رژیم اسرائیل در دو سال اخیر به آشوب کشانده، فراهم کند. پایان جنگ غزه، اگرچه هنوز شکننده است، اما می تواند سرآغاز دوره ای از حکمرانی عقلانیت سیاسی و بازگشت ثبات به منطقه بشود. هرچند که برخی از تحلیل گران بر این باورند که آتش بس، تمرکز اسرائیل و آمریکا را از جبهه فلسطین به سمت ایران معطوف می کند و در این شرایط، ایران باید با هوشیاری کامل موضوع تحولات امنیتی، سیاسی و نظامی پیرامون خود را رصد کند اما همزمان، پنجره ای برای دیپلماسی باز شده که می تواند از تشدید درگیری ها جلوگیری کند.

دیگر وزیران افراطی کابینه خون ریز و حامیان آن، باید بر اساس قوانین بین المللی پاسخگو باشند. تنها با پیگیری قانونی و مجازات عاملان است که می توان از تکرار چنین فجایعی جلوگیری کرد. سفیدشویی جنایات جنگی رژیم صهیونیستی، خیانتی آشکار به حقوق بشر و بشريت است و سکوت جهانی در برابر آن، مهر تأییدی است بر استمرار خشونت و رنج کودکان. جامعه جهانی نمی تواند به آمار سرد بسنده کند؛ هر عدد در این گزارش بیانگر کودکی است که امید و امنیت خود را از دست داده است و صدای او نیازمند عدالت فوری است. نسل کودکان غزه با رنجی بی پایان از فقدان امنیت و آرامش، نیازمند حمایت فوری جامعه جهانی است. فشار بین المللی، کمک های انسانی و اقدام علیه عاملان جنایات جنگی، تنها راه حفاظت از کودکان و جلوگیری از تکرار فاجعه انسانی است. این بحران نه تنها بر کودکان فعلی بلکه بر آینده جامعه غزه نیز اثرات عمیق و پایدار خواهد داشت. جهان نباید در برابر این فجایع خاموش بماند؛ هر لحظه تأخیر در اقدام، زندگی و آینده هزاران کودک را تهدید می کند و مسئولیت تاریخی و اخلاقی جامعه بین المللی را یادآوری می کند.

درخواست کرده و تکالیفی است که بارها به دولت ابلاغ شده است. این موضوع یک الزام مدیریتی است و هیچ ربطی به اینکه در کدام قوه هستیم ندارد؛ کلیت کشور این مسئله را امضا می کند.» وی تأکید کرده بود: «الضباط بوجه ای در شرایطی که تحریم ها سنگین هستند و منابع درآمدی کشور با مشکلات مواجه است، یکی از الزاماتی است که کمک می کند کسری بوجه کاهش یابد. به همین دلیل، اولویت بندی هایی که در داخل سازمان برنامه و بودجه انجام می شود، مانند ادغام برخی سازمان ها یا پاسخگو کردن نهاده ا، اهمیت بالایی دارد. هر نهاد باید مشخص کند چه خروجی هایی دارد و دقیقاً چه خدماتی به مردم ارائه می دهد، زیرا هر سازمانی که از بودجه عمومی، یعنی از فروش نفت یا مالیات مردم استفاده می کند، موظف است پاسخگو باشد و نشان دهد چه خدمتی به مردم ارائه می دهد.» مهاجرانی گفته بود: «همان طور که بارها در ادبیات دینی شنیده ایم، حق الناس قابل چشم پوشی نیست؛ اینجا دقیقاً مصداق حق الناس است. دولت تلاش می کند با نظم بخشی بوجه، این موضوع را به درستی مدیریت کند و به سمت بودجه ریزی مبتنی بر عملکرد حرکت کند.» با وجود انتقادات زیادی که نحوه تخصیص بودجه به سازمان ها و نهادهای خاص وجود دارد، اما باید دید در بوجه ۱۴۰۵ که تا یکی دو ماه دیگر به مجلس می رود، چه میزان این انتقادات به منصفه ظهور می رسند. چرا

سیاست روز

خبر

مسعود پزشکیان:

پنل های خورشیدی نباید در گمرک بمانند

رئیس جمهور با بیان اینکه می توان تمام قراردادهای منعقد شده برای ساخت نیروگاه های خورشیدی را در عرض یک سال به مرحله اجرا و افتتاح رساند، خاطرنشان کرد: بر اساس گزارش هایی که از سوی وزارت نیرو منتشر شده، ساخت نیروگاه های خورشیدی علاوه بر اینکه می تواند مشکل کمبود برق در کشور را برطرف کند، قدم بسیار بزرگی در حفاظت از محیط زیست نیز خواهد بود.

به گزارش ایسنا، مسعود پزشکیان در مراسم افتتاح ۲۵۰ مگاوات نیروگاه خورشیدی و آغاز عملیات اجرایی ۴۵۰ مگاوات برق خورشیدی، بر ضرورت تسریع در ساخت این نیروگاه ها تأکید و اظهار کرد: دولت آماده برطرف کردن هر مانعی در برابر تسریع ساخت نیروگاه های خورشیدی و رفع ناترازی برق در کشور و تسهیل بستر فعالیت بخش خصوصی در این حوزه است.

رئیس جمهور تصریح کرد: باید به گونه ای پیش ببریم که در تابستان سال آینده هیچ کارخانه ای با کمبود برق مواجه نشود و این در

صدر اولویت های دولت قرار دارد.

پزشکیان به اهمیت انرژی در زندگی امروز بشر اشاره کرد و گفت: بخش های تولید و سایر اجزای زندگی در شرایط امروز به انرژی وابسته هستند و ضرورت دارد که تمام پروژه های مرتبط با افزایش تولید انرژی، از جمله ساخت نیروگاه های خورشیدی را با سرعت پیش ببریم. استانداران مجوزهای صادر شده بخش خصوصی برای ساخت نیروگاه را با دقت پیگیری و در صورتی که مانع و مشکلی در مسیر بود، هر چه زودتر برطرف کنند.

رئیس جمهور با بیان اینکه می توان تمام قراردادهای منعقد شده برای ساخت نیروگاه های

خورشیدی را در عرض یک سال به مرحله اجرا و افتتاح رساند، خاطرنشان کرد: بر اساس گزارش هایی که از سوی وزارت نیرو منتشر شده است، ساخت نیروگاه های خورشیدی علاوه

بر اینکه می تواند مشکل کمبود برق در کشور را برطرف کند، قدم بسیار بزرگی در حفاظت از محیط زیست نیز خواهد بود؛ چرا که میزان تولید گازهای گلخانه ای را در کشور به شکل قابل ملاحظه ای کاهش می دهد و این اهمیت خصوصی برای ساخت نیروگاه را با دقت پیگیری و در صورتی که مانع و مشکلی در مسیر بود، هر چه زودتر برطرف کنند.

رئیس جمهور با بیان اینکه می توان تمام قراردادهای منعقد شده برای ساخت نیروگاه خورشیدی در جنوب کشور تأکید و اظهار کرد: با توجه به برنامه ریزی گسترده دولت برای توسعه در سواحل جنوبی و نیاز به احداث آب شیرین در سواحل خلیج فارس و دریای عمان، ساخت نیروگاه های خورشیدی در این مناطق اهمیت بیشتری دارد و به توسعه این مناطق کمک شایانی خواهد کرد.

پزشکیان بر تمرکز بیشتر برای ساخت نیروگاه خورشیدی در جنوب کشور تأکید و اظهار کرد: با توجه به برنامه ریزی گسترده دولت برای توسعه در سواحل جنوبی و نیاز به احداث آب شیرین در سواحل خلیج فارس و دریای عمان، ساخت نیروگاه های خورشیدی در این مناطق اهمیت بیشتری دارد و به توسعه این مناطق کمک شایانی خواهد کرد.

رئیس جمهور در بخش پایانی سخنان خود در واکنش به سخنان یکی از استانداران مبنی بر وجود موانعی در مسیر ترخیص پنل های خورشیدی در گمرک تأکید کرد: بر اساس مصوبه ای که سران قوا داشته اند هیچ پنل خورشیدی نباید در گمرک بماند و در صورتی که با چنین مسئله ای مواجه هستید، فوراً اطلاع دهید که مشکل را حل کنیم.

پیش از سخنان رئیس جمهور، علی آبادی وزیر نیرو در توضیح افتتاح های امروز اظهار کرد: امروز ۲۵۰ مگاوات نیروگاه برق خورشیدی به ارزش ۷ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان افتتاح می شود و عملیات اجرایی ۴۰۰ مگاوات نیروگاه هم آغاز خواهد شد.

علی آبادی خاطرنشان کرد: با افتتاح های

امروز مجموع برق تولیدی توسط نیروگاه های تجدیدپذیر در کشور به ۲ هزار و ۵۵۰ مگاوات خواهد رسید که برق مصرفی ماهیانه ۱۴۵ هزار خانواده ایرانی را تأمین خواهد کرد.

در این مراسم استانداران چند استان کشور نیز به صورت ویدئوکنفرانس به ارائه توضیحاتی درباره فرآیند ساخت نیروگاه های خورشیدی در استان های تحت مدیریت خود پرداختند.



رئیس سازمان برنامه و بودجه در حاشیه جلسه هیئت دولت درباره قطع بودجه نهادهای خاص توضیحاتی ارائه کرد. به گزارش خبرآنلاین، «تا لاتان بخواهد مؤسسات و بنیادهایی داریم که هیچ

آیا پزشکيان پای انتقادش از بودجه های بدون برون داد می ایستد؟

در انتظار قطع بودجه نهادهای خاص

برون دادی ندارند ولی پول به این ها می دهیم. خب! چرا باید به این ها پول بدهیم در حالی که معیشت مردم را نمی توانیم تأمین کنیم؟» این جمله ای است که مسعود پزشکیان، رئیس دولت چهاردهم در دیدار با مدیران رسانه گفته بود. جمله ای که خبر از ناراضی بودن رئیس جمهور از بودجه نهادهایی داشت که وقتی کشور به علت تدفینگی به بودجه جاری دچار تنگدستی شده، بودجهایشان اگر کم نشود، حداقل ثابت می ماند در عوض اما خروجی قابل ارائه ای هم ندارند.

اما سوالی که پس از اظهارات پزشکیان در میان کارشناسان سیاسی و اقتصادی و حتی افکار عمومی ایجاد شد این است که آیا رئیس جمهور بودجه این نهادها را قطع می کند؟ آیا او صرفاً انتقاد کرده و قدرت لازم برای قطع منابع مالی این نهادها ندارد؟

برنامه دولت برای بودجه نهادهای خاص

در همین خصوص، سید حمید پورمحمدی، رئیس سازمان برنامه و بودجه در حاشیه جلسه هیئت دولت درباره قطع بودجه این نهادهای خاص به خبرنگارآنلاین گفت: «در این شرایط، ردیف هایی که خروجی مشخص و ملموسی برای مردم نداشته باشند یا جزو اولویت های فعلی نباشند، یا حذف می شوند، یا رشد بودجه شان متوقف می شود، یا در سایر ردیف ها ادغام می گردند.»

پیش از این هم فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت به خبرگزاری خبرنگارآنلاین گفته بود: «موضوع نظم بخشی به بودجه جزو مسائلی است که مجلس نیز از دولت